

عنوان مقاله:

بیدلانه های سپهری

محل انتشار:

مجله علمی «کاشان شناسی»، دوره 2، شماره 1 (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

فائزه جنیدی

خلاصه مقاله:

این مقاله به بررسی مشترکات و تناسبات شعری بیدل و سپهری پرداخته است. ممکن است عملاً بر پایه تفکر یا تصویر آفرینی بیدل سروده باشد، اما در دفترهای شعر سپهری و دیوان بیدل تشابهات بسیاری می توان دید. به زعم من جوهر شعر در آفرینش جاری است و این شاعر است که می تواند به اندازه گنجایش قلبی خود از این رود جاری برخوردار. و به قلم بنگارد و وقتی دو شاعر از نظر احساس و اندیشه به یکدیگر نزدیکتر باشند، لاجرم اشعاری مشابه هم خواهند داشت. بیدل با فرهنگ هزار توی هند آشناست و روحی درون گرا و تخیلی عمیق، سرمایه شعری او به شمار می رود که در بستر زبان نغمه فارسی آنان را به کار می گیرد، سپهری نیز فارسی زبانی ساده است. با همان روح لطیف و درون گرا و با همان تخیل انتزاعی. از این رو کنار هم قرار دادن این اشعار تو خالی از لطف نیست. با مطالعه در شعرهای سپهری و بیدل نقاط مشترک بسیاری را می توان دید. با توجه به پژوهش های قبلی در این موضوع، در این مقاله سعی بر این است که چشم اندازهایی که کسی تاکنون به آن نپرداخته یا گذرا از آن رد شده نشان داده می شود. موضوعات اصلی، اندیشه های مشترک این دو شاعر، تصویر آفرینی ها و تخیلات نزدیک به هم آنان، تفکرات سوررئال حاکم بر بعضی اشعار، عرفان موجود در اشعار و دیگر تشابهات شعری است. اما قصدی بر اثبات تاثیر سپهری از بیدل نیست. در این مقاله نیز نجوهای نزدیک به هم دو شاعر که متعلق به زمان های مختلفی اند با قالب های شعری متفاوت، بررسی شده است و به واقع افسون همین نزدیکی روح انسان هاست به هم.

کلمات کلیدی:

بیدل، سپهری، عرفان، سوررئالیسم، سبک هندی، شعر، وسعت مشرب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1329800>

